

عوامل محیطی مؤثر بر طراحی فضاهای رفتارگرا بررسی موردی: کانون اصلاح و تربیت کودکان تهران - ایران

اکبر دبستانی رفسنجانی

مری گروه معماری داخلی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: mohammad_dabestani@yahoo.com

سمیه سادات ابوالقاسم حسینی

کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

E-mail: somayeh.a.hosseini@gmail.com

چکیده

کانون اصلاح و تربیت مرکزی برای نگهداری، تربیت، تهذیب و اصلاح کودکان بزهکار ۱۸-۶ سال است که مرتکب انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی شده‌اند. این مرکز در گروه ساختمان‌های امنیتی رده سه قرار می‌گیرد که در سطح بین‌المللی، قوانین مؤثری در حوزه ساخت و بهره‌برداری از چنین ساختمان‌هایی تدوین شده است اما با وجود توجه بسیار زیاد مسئولان مرکز، فضای معماری و خصوصاً فضاهای داخلی مجموعه فاقد کیفیت‌های فضایی متناسب است. هدف از اجرای این طرح، استخراج و تدوین اصول به‌منظور طراحی مراکز اصلاحی - تربیتی برای نگهداری و اسکان موقت کودکان بزهکار بوده است. در جستجوی الگوی طراحی مناسب، طرح «عوامل محیطی مؤثر بر طراحی فضاهای رفتارگرا» در کانون اصلاح و تربیت کودکان تهران در سال ۱۳۹۷ با جمع‌آوری اطلاعات از ۹۹ پرسشنامه قابل قبول از کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران و آزمون کا-اسکوئر انجام شد. در این پژوهش ارتباط معناداری میان سن کودک - شکل انتخابی، جرم کودک - رنگ انتخابی و جرم کودک - مصالح انتخابی برای خانه یافت شد که گواه بر اثبات سه گروه از فرضیه‌ها بود. در نهایت، با توسعه مطالعات میدانی در حوزه‌های مورد نظر و مشورت کارشناسان علوم رفتاری، بخش‌هایی از الگوهای طراحی استخراج شدند.

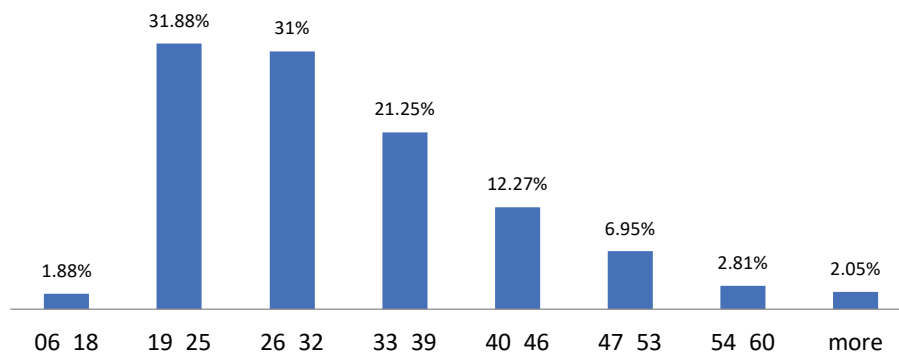
کلیدواژه‌ها: معماری، کودک، بزهکاری، معماری رفتارگرا، کانون اصلاح و تربیت

مقدمه

بزهکاری^۱ یک واکنش غالباً منفعلانه است که کودک^۲ در برابر عوامل خارجی از خود بروز می‌دهد. رفتارهای کنشی با برنامه از پیش تعیین شده، خطرات احتمالی را نیز در نظر دارد درحالی که رفتارهای واکنشی در برابر تحریک خارجی و فارغ از مخاطرات و ذهنیت‌های تبهکارانه است اما گاهی این رفتار بزهکارانه، فارغ از کنشی یا واکنشی بودن، آسایش دیگران را تهدید می‌کند و نیروی انتظامی برای حمایت از شهروندان در برابر این تهدیدها، به اعمال قانون و سلب آزادی بزهکاران روی می‌آورد. این بزهکاران در مراکز نگهداری می‌شوند که انجام فعالیت‌های روزانه موجب ایجاد روزمرگی می‌شود و زندگی در فضاهای شلوغ و رعایت روش‌های انضباطی خاص نیز منجر به ایجاد فشارهای روحی-روانی می‌گردد. این روزمرگی و تحمل فشارهای روحی-روانی، به جای افزایش سازگاری زندانیان با هنجارهای جامعه، منجر به ایجاد شکاف رفتاری میان آنان و جامعه خواهد بود. این زندانیان با محیطی متفاوت از محیط زندگی عادی تطبیق پیدا می‌کنند و عادت‌ها و نگرش‌هایی جدید را در تناقض با اهداف اصلاحی- تربیتی مراکز نگهداری از مجرمان می‌آموزند. آنان خشونت را به‌عنوان امری عادی می‌پذیرند، با مجرمان سابقه‌دار آشنا می‌شوند و مهارت‌های تبهکارانه‌ای را می‌آموزند که پیش از این نمی‌دانستند، درحالی‌که اصل اساسی نظام زندان‌ها و سلب آزادی از مجرمان، علاوه بر بازداشتن آنان از تکرار رفتارهای مجرمانه، «بهبود و ارتقای رفتاری فرد به‌منظور ایفای نقش مناسب و هماهنگ با هنجارهای جامعه از طریق بازپروری مجرمان و تبدیل آنان به شهروندان مطیع قانون» است.

بنابر شواهد و مدارک موجود، تأثیر زندان‌ها در تبدیل مجرمان به شهروندان عادی، در میان آثار منفی آن ناچیز است؛ به -عبارت دیگر، فرایند یادگیری تبهکاری و کج‌روی درون همان سازمان‌هایی تقویت می‌شود که در ظاهر به‌منظور اصلاح رفتار تأسیس شده‌اند و برچسب تبهکاری که اعتبار فرد را در محیط اجتماعی خدشه‌دار کرده، او را بیشتر به‌سوی تبهکاری می‌کشاند تا آنجا که از قراردادهای اجتماعی فاصله می‌گیرد. زندان‌ها، فارغ از میزان موفقیت در اصلاح زندانیان، آنان را از ارتکاب به جرم بازداشته و ترس از شرایط ناخوشایند زندگی در زندان ممکن است دیگران را نیز باز دارد. اما زندان به‌عنوان مکانی ناخوشایند برای سلب آزادی مجرمان، یک پارادوکس ایجاد می‌کند: از یک سو شرایط نامساعد محیط زندگی، ممکن است متخلفان بالقوه را از ارتکاب جرم باز دارد و از سوی دیگر دستیابی به اهداف بازپروری را دشوار می‌سازد؛ در حقیقت هرچه سختی شرایط زندان کاهش یابد، اثر بازدارنده آن کمتر می‌شود اما این امر در مورد بزهکاری کودکان متفاوت است.

بر اساس گزارش دوره‌ای عملکرد قانون اصلاح و تربیت پسران تهران، نیمه دوم سال ۱۳۹۷، بزهکاری کودکان بنا به علل، انگیزه و کیفیت اعمال ارتكابی با جرائم بزرگسالان متفاوت است. آنان اغلب بزه را به‌صورت گروهی و گاه با تشکیل باندهای موقتی مرتکب می‌شوند در صورتی که بزرگسالان اغلب به جرائم فردی و با انگیزه‌های درونی گرایش دارند. نوع بزه ارتكابی کودکان نیز متفاوت از جرائم ارتكابی بزرگسالان است چنان‌که جرائم برضد اموال (مانند سرقت و تخریب اموال) و جرائم سبک‌بر -ضد اشخاص (مانند ایجاد ضرب و جرح) از جمله جرائم معمول در میان آنها است.



شکل ۱. ارتکاب به جرم به تفکیک گروه‌های سنی طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۵ در ایران

منبع: مرکز آمار کانون اصلاح و تربیت پسران تهران، ۱۳۹۷

کانون اصلاح و تربیت برای کودک بزهکار باید علاوه بر نقش بازدارنده امنیتی، نقش اصلاحی-تربیتی نیز داشته باشد و در دورانی که به عنوان «دوران گذار شخصیتی» در چرخه عمر انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود، او را در مسیر صحیح هدایت نماید. این سازندگی و هدایتگری دارای دو رویکرد آگاهانه و ناآگاهانه است که در بخش آگاهانه، تلاش در راستای اصلاح خودخواسته الگوهای رفتاری و کار بر روی اندیشه‌ها و اعمال بوده و در بخش ناخودآگاهانه، با طراحی محیطی و تعیین ساختارهای فضایی، حذف فضاهای جرم خیز و ایجاد مکان‌های قابل کنترل، به اصلاح رفتاری آنان پرداخته می‌شود.

کانون اصلاح و تربیت^۳ مرکزی برای تربیت، تهذیب و اصلاح کودکان بزهکار ۶ تا ۱۸ سال است که مورد انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی قرار گرفته‌اند و از نظر امنیتی، در گروه «زندان‌ها با رده امنیتی سه»^۴ قرار می‌گیرد. ساختار کانون اصلاح و تربیت متشکل از سه بخش است: بخش اول، نگهداری موقت (محل نگهداری کودکان و نوجوانان در بدو ورود تا زمان تعیین تکلیف از سوی دادگاه یا دیگر مراجع ذیصلاح)، بخش دوم شامل پذیرش، تشخیص و تحقیق جرم‌شناسی (که تحت نظر متخصصان علوم مختلف انجام می‌شود و سعی در اصلاح و تربیت کودکان بزهکار دارد) و بخش سوم، آموزش (اعم از آموزش تحصیلی و فنی-حرفه‌ای) است.

ضرورت انجام پژوهش

ضرورت طراحی فضاهای رفتارگرا برای اسکان موقت کودکان بزهکار به دو دسته کمی و کیفی تفکیک می‌شود که ضرورت‌های کمی به احداث مراکز نگهداری کودکان بزهکار و ضرورت‌های کیفی به چگونگی فرم و فضای معماری می‌پردازد.

ضرورت‌های کمی یا احداث مراکز نگهداری کودکان بزهکار:

- آمار رو به رشد بزهکاری کودکان تهران (پسران) طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ (علیرغم آن‌که همچنان میزان بزهکاری کودکان کمتر از دو درصد جرائم کل کشور را تشکیل می‌دهد، آمار رو به رشد بزهکاری نیاز به ساختمان‌های جدید را نشان می‌دهد)؛
- فرسودگی برخی ساختمان‌های موجود در کانون اصلاح و تربیت پسران تهران (کانون‌های اصلاح و تربیت تهران، اصفهان، مشهد و اهواز که بالاترین نرخ بزهکاری را در سطح کشور دارند، تا پیش از سال ۱۳۴۸ ساخته - شده‌اند)؛
- تغییر رژیم نگهداری کودکان بزهکار (محکومیت بعضی از کودکان بزهکار بر مبنای رژیم اصلاحی-تربیتی بوده و آنها را موظف به حضور روزانه در بخش اصلاح و تربیت می‌کند که

- حوزه‌ای متفاوت از محل نگهداری کودکان بزهکار با محکومیت «سلب آزادی» است؛
- افزایش جمعیت در بخش اقامتی و آموزشی و کاهش سرانه فضای داخلی کانون اصلاح و تربیت پسران تهران (کاهش سرانه فضایی، موجب ازدحام و به تبع آن افزایش برخوردهای کلامی و فیزیکی، تهدید حریم شخصی، کاهش اعتماد میان فردی، کاهش نظارت بر رفتار فردی و اجتماعی ساکنان، تهدید امنیت فردی، افزایش معاشرت میان گروه‌های جرمی و انتقال تجربیات بزهکارانه می‌شود)؛
 - محدودسازی روابط بین گروه‌های جرمی با کوچک‌سازی گروه‌های ساکن در مراکز اصلاح و تربیت کودکان (ساخت مراکزی با گروه‌های جمعیتی کوچک‌تر موجب می‌شود تعامل میان گروه‌های بزهکار کاهش یافته و نظارت همراه با تعلیم و تربیت افزایش یابد).
- ضرورت‌های کیفی یا چگونگی فرم و فضای معماری:
- آمار شناور ارتکاب به جرم با توجه به تغییر فصل، چنان‌که بزرگسالان بیشتر در فصل زمستان (زمان کمبود غذا و جای خواب) و کودکان بیشتر در تابستان (زمان تعطیلی مدرسه‌ها) مرتکب جرم و بزه می‌شوند؛
 - اهمیت تأمین اجتماعی، پیشگیری از بزهکاری‌های بعدی و ورود مجدد به کانون، توجه به هزینه‌های مادی و معنوی که بازگشت بزهکاران به مراکز اصلاح و تربیت به جامعه تحمیل می‌کند؛
 - توجه به تربیت‌پذیری و تعلیم‌پذیری کودکان؛
 - عدم تناسب فضاهای موجود با نیازهای عملکردی و ایدئولوژی اصلاحی-تربیتی کودکان که در حال حاضر در کانون اجرا می‌شود؛
 - عدم تناسب خوابگاه‌های پرجمعیت با ظرفیت بهینه و تعامل مناسب کودکان برای کاهش برخوردهای زبانی و فیزیکی؛
 - کاهش توانایی عمومی فرد در حل مسائل و مشکلات به دلیل تاثیرهای منفی زندان و کاهش محرک‌های محیطی در دوران سلب آزادی، دوری از خانواده و دوستان، عدم توانایی در انجام فعالیت‌های اجتماعی معمول در سن نوجوانی.

اهداف و فرضیه‌ها

فضاهایی که به‌عنوان بازداشتگاه، ندامتگاه یا کانون اصلاح و تربیت معرفی می‌شوند، تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند و اغلب با استانداردهای فیزیکی زندان، بنابر ضوابط امنیتی و فارغ از کیفیت‌های فضایی ساخته شده‌اند. در هر یک از این فضاها، اولویت با تأمین امنیت ساختمان برای جلوگیری از ورود و خروج آزادانه افراد بوده و تأثیر روانی فضا اهمیت چندانی ندارد. البته لازم به ذکر است کانون اصلاح و تربیت پسران تهران منطبق با استانداردهای جهانی اداره می‌شود و دارای قوانینی با هدف تعلیم و تربیت کودکان و حرفه‌آموزی در راستای بهبود رفتار آنها در جامعه است اما از آنجا که کارشناسان حوزه معماری رفتارگرا کمتر در ساختمان‌های امنیتی وارد شده‌اند، کیفیت‌های فضایی کمتر از کیفیت‌های مدیریتی رشد یافته و در این حوزه دچار نقصان است. همین امر موجب ایجاد یک پارادوکس میان اهداف تأدیبی مراکز اصلاح و تربیت و آسایش فیزیکی-روانی کودکان بزهکار در این مراکز می‌شود که در نگاه عموم شاید آسودگی و آسایش در مراکز اصلاح و تربیت مانع بازداشتن کودکان بزهکار از تکرار بزه باشد اما مسئولان، روانشناسان و مددکاران اجتماعی کانون نظری متفاوت دارند چنان‌که آمارهای

حاصل از پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد بیش از ۹۸٪ از کودکانی که مورد پرسش قرار گرفته‌اند، در انتظار آزادی هستند و تمایلی به ماندن در کانون اصلاح و تربیت ندارند، علیرغم آنکه وضعیت زندگی در کانون برای برخی از آنها بهتر از وضعیت زندگی بیرون از کانون است؛ بنابراین ایجاد فضاهای مناسب که به لحاظ روحی-روانی منجر به کاهش تنش‌ها، تغییر رفتار و احترام به امنیت اجتماعی شود، علاوه بر اینکه از تأثیر تنبیهی سلب آزادی آنان کم نمی‌کند، بلکه با نهادینه کردن کنترل رفتار، آنان را برای زندگی اجتماعی در دوران پس از آزادی مهیا می‌کند زیرا امنیت اجتماعی تنها با دور کردن بزهکاران و مجرمان از جامعه به دست نمی‌آید.

در شکل‌گیری این پژوهش فرض بر آن بوده است که:

- ادراک فضا میان کودکان بزهکار در گروه‌های سنی / جرمی متفاوت است.
- تمایل به انتخاب رنگ میان کودکان بزهکار در گروه‌های سنی / جرمی متفاوت است.
- تمایل به بافت سطوح (نرمی یا زبری) میان کودکان بزهکار در گروه‌های سنی / جرمی متفاوت است.
- تمایل به دیدن چشم‌اندازهای متفاوت میان کودکان بزهکار در گروه‌های سنی / جرمی متفاوت است.
- میزان روشنایی مطلوب برای فضا میان کودکان بزهکار در گروه‌های سنی / جرمی متفاوت است.
- ابعاد و تناسب مطلوب برای اتاق میان کودکان بزهکار در گروه‌های سنی / جرمی متفاوت است.
- چیدمان مطلوب برای اتاق میان کودکان بزهکار در گروه‌های سنی / جرمی متفاوت است.

روش پژوهش

تدوین اصول و قوانین برای طرح مسکن موقت کودکان بزهکار، فرایند پیچیده‌ای دارد و نمی‌توان مطالب چندانی از اندیشه و گفتار کارکنان و ساکنان استخراج کرد زیرا فاقد نگرش کارشناسی به فضاهای معماری هستند. این ساختار علاوه بر اطلاعات عمومی در مورد کودکان بزهکار، نیازمند اندیشه‌ها و دیدگاه‌های آنان در مورد فضای اقامت و تأثیر آن بر ساکنان است اما مفهوم خواسته‌های پژوهش از نگاه آنان غیرقابل درک است. سوال در مورد ویژگی‌های فضای دلخواه آنان در کانون اصلاح و- تربیت سوالی است بی‌معنی و بی‌جواب زیرا که اولاً شرح ساختار فضایی، طرح داخلی و معماری برای کودکانی که در سنین اولیه شناخت قرار دارند بسیار مشکل است و دوم اینکه آنان تمایل به ماندن ندارند چه رسد به آن که دوست داشته باشند فضا چه شکل و صورتی داشته باشد. بنابراین اهداف پژوهش به صورت غیرمستقیم و در اندازه ادراک کودک مطرح شد. بر همین اساس و در راستای پیشبرد پژوهش، پرسشنامه‌ای با چهار سوال تهیه شد که علاوه بر مشخصات فردی، که کودک تمایل چندانی برای شرح آن‌ها نداشت، به تفصیل از سلیقه و اندیشه‌های او پرسیده شد و با کمک تصاویر متعدد، کودک را به پاسخ‌گویی ترغیب نمود. سؤالات مرتبط با شناخت فضا و ادراک کودک از فضای معماری با استفاده از تصاویر رنگی دو و سه بعدی، سعی داشت تا تنها بر شنیده‌ها و گفته‌های کودکان تکیه نکرده و بر اساس ادراک تصویری آنها به همراه مقیاس انسانی در تصاویر، مفاهیم را بهتر منتقل نماید.

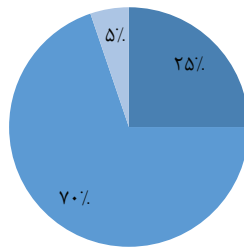
نوشته حاضر با عنوان «عوامل محیطی مؤثر بر طراحی فضاهای رفتارگرا» بر اساس پژوهشی بر ادراک فضایی کودکان بزهکار ۶ تا ۱۸ سال کانون اصلاح و تربیت پسران تهران برای استخراج اصول و ضوابط طراحی فضاهای اسکان موقت کودکان بزهکار شکل گرفت. این پژوهش به شیوه تحقیق توصیفی و

به‌منظور توصیف، ضبط، توضیح شرایط موجود و یا به‌عبارت‌دیگر، به توصیف عینی، مدون و منظم ادراک عمومی و فضایی کودکان بزهکار کانون پرداخته که با انتخاب تصادفی ۹۹ کودک، به جمع-آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه انجام شده است. سؤالات پرسشنامه بر مبنای فرضیات پایه و در سه مرحله پرسشنامه اولیه^۷، پرسشنامه اصلی^۶ و پرسشنامه تکمیلی^۷ طرح شد.

مفاهیم و متغیرهای پرسشنامه که در قالب مفهومی پژوهش به کار برده شد، شامل چهار متغیر در شش حوزه مشخصات فردی، جرائم، نوع محکومیت، مقدار محکومیت، سابقه بزهکاری، ویژگی‌های عمومی، سلیقه‌های فردی، سلیقه‌های معماری و تصویرگری است که در دو رده مستقل و وابسته مورد مطالعه قرار گرفت. تفکیک سنی و جرمی به‌عنوان متغیرهای مستقل و دیگر متغیرها، متغیر وابسته در نظر گرفته شد. سؤالات اولیه برای پانزده کودک اجرا شد که به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند. یک نفر (۶/۶۷٪) از پانزده کودک انتخاب شده، بی تفاوت بوده اما چهارده نفر (۹۳/۳۳٪) دیگر به‌دقت به سؤالات پاسخ دادند که با توجه به فرمول مطالعات توصیفی، تعداد نمونه‌ها حدود ۹۹ نفر تخمین زده شد.

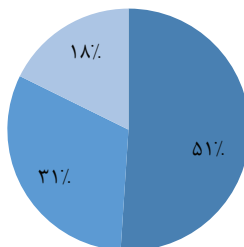
۹۹ نفر از لیست الفبایی اسامی و با تناوب عددی انتخاب شدند تا ارجحیتی از جهت جرم، سن و یا گروه‌های داخلی وجود نداشته باشد. از میان ۹۹ پرسشنامه توزیع شده، نتایج حاصل از ۹۶ پرسشنامه قابل قبول بوده و در فرایند استخراج نتایج قرار گرفت. داده‌ها پس از استخراج و پردازش با استفاده از نرم‌افزار SPSS جمع‌بندی و آزمون کا-اسکوئر^۸ تحلیل گردید. سپس داده حاصل از پرسشنامه‌های قابل قبول، در دو بخش با عنوان تحلیل داده‌های طرح بر اساس همبستگی با «سن» و «نوع بزه» مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. از آنجا که در دو بخش ویژگی‌های عمومی و پیشینه بزهکاری از نگاه تحلیل‌های معماری نیازی به تفکیک بزه و سن نبود، تنها به بررسی همبستگی میان دو متغیر مذکور با سلیق فردی و معماری بسنده شد.

بیشتر از ۱۸ سال بین ۱۶ تا ۱۸ سال کمتر از ۱۶ سال



شکل ۲. کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت پسران تهران به تفکیک سن

ضد نظم عمومی علیه اشخاص علیه اموال



شکل ۳. کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت پسران تهران به تفکیک نوع بزه

مسکن موقت کودک بزهکار

در تدوین پیشینه نظری پژوهش، با نگاهی اجمالی به روان‌شناسی کودک، ادراک فضایی کودک و جرائم معمول دوران کودکی، به طرح مسکن موقت برای کودکان بزهکار پرداخته می‌شود.

روان‌شناسی کودک و ادراک فضایی

انسان در دوران زندگی خود، مراحل مشخصی (کودکی، جوانی، بزرگسالی و پیری) را طی می‌کند که مرز مشخصی ندارند و از ابعاد جسمی، ادراکی، هیجانی و اخلاقی متفاوتی برخوردارند. «شیرخوارگی و نونهالی» پله‌های اول رشد و «نوباوگی» مرحله بعد است که با آموزش رسمی کودک همراه می‌شود. در این دوران از جوش و خروش محض کاسته شده، تصور فرد از خودش روشن‌تر می‌شود و موقعیت را بهتر درک می‌کند. با گرایش به بازی، خود را نیازمند مصاحبت و همکاری دیگران می‌داند و شخصیت او در این تماس‌ها شکل می‌گیرد. سپس به دوران «نوجوانی» می‌رسد که دوران طغیان زیستی ناشی از بلوغ، تهییج‌پذیری، تعارض و مخالفت با بزرگسالان است. فروید، نوجوانی را مرحله تناسلی می‌داند که طی آن غرایز برانگیخته می‌شود تا تعارض روانی، رفتار بی‌ثبات و غیرقابل پیش‌بینی پیدا کند (دالکی، ۱۳۹۰، ۲۳۱-۲۳۰). اکنون کودک دچار تحولاتی عمیق در چهار بعد رشد جسمانی، رشد هیجانی، رشد اخلاقی و رشد شناختی^۱ می‌شود که او را برای ورود به بزرگسالی مهیا می‌کند. در واقع، نوجوانی برآیند تغییرات زیستی و انتظارات اجتماعی است که باعث می‌شود فرد رفتارهای بچه‌گانه را کنار بگذارد، روابط میان فردی جدیدی برقرار کند و مسئولیت بپذیرد که در پی آن دچار حس بلا تکلیفی، خودناباوری و ناامیدی می‌شود.

کودک هنگامی که در فضا قرار می‌گیرد، ابتدا به شناسایی فاکتورهای محیطی پرداخته و سپس در مورد آنها می‌اندیشد تا به تدریج موفق به درک فضا شود. پس از آن با شناسایی موقعیت خود در فضا، به برقراری ارتباط با محیط می‌رسد. بنابراین فضایی که برای کودک طراحی می‌شود باید در حد و اندازه ادراک محیطی او باشد تا فرایند برقراری ارتباط با فضا به سادگی انجام شود و دستیابی به اهداف تأثیرات روحی-روانی فضای معماری سرعت یابد. فضایی که مخاطب آن کودک باشد، باید با روحیات و ادراک او در حوزه رنگ، شکل، ابعاد و اجزاء متناسب باشد تا قابلیت درک محیطی و به تبع آن، امنیت خاطر کودک تأمین شود تا در برخورد با احجام، بناها و نیز سکونت در آنها، احساس آرامش و راحتی کند. در سنین ابتدای کودکی، فضاهای تاریک و فرم‌های نامأنوس او را می‌ترساند و فضاهای رنگی و فرم‌های آزاد کنجکاو او را برمی‌انگیزد اما در سال‌های پایان کودکی، تصور وی از فضا و ادراک آن متفاوت می‌شود. در سنین نوجوانی، از آنجا که بیشتر در جستجوی حالات درونی خود و خودشناسی است، به سوی تاریکی می‌رود و فضاهای اغواگر کودکانه با رنگ و فرم و پیچیدگی جذابیت چندانی برای او ندارد. تصور او از فضا، حتی با تصور فضایی بزرگسالان نیز متفاوت بوده و نیازمند راه‌حلهایی هوشمندانه و درخور ادراک فضایی دوران نوجوانی است. بنابراین برای هدایت نوجوان به سوی پویایی در ادراک محیط، کسب هویت و استقلال فرد و شکل‌گیری شخصیت وی لازم است فضایی طرح شود که محیط بالقوه‌ای برای رفتار مناسب او به دور از ذهنیت‌های تبهکارانه باشد.

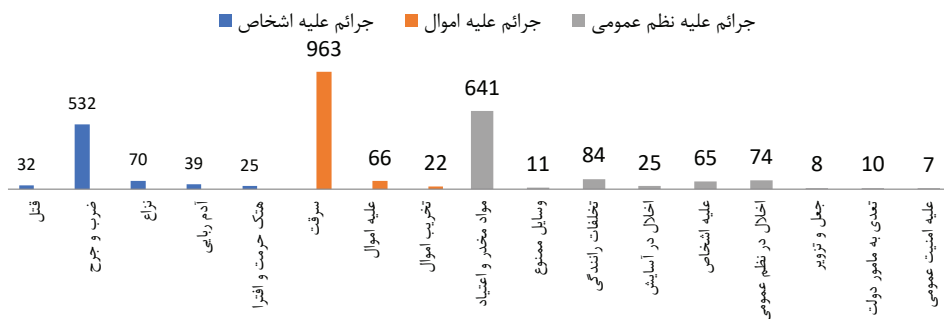
بزهکاری کودک

بزهکاری پدیده‌ای است با خاستگاه اجتماعی که عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی، فرهنگی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری و بروز آن اهمیت دارد. دورکیم، از پایه‌گذاران جامعه‌شناسی، جرم

و بزه را امری اجتناب‌ناپذیر در زندگی اجتماعی می‌داند و می‌نویسد: «اعمالی جرم محسوب می‌شوند که وقوع آنها وجدان جمعی را می‌آزارد و اجتماع نسبت به مرتکبان آن واکنش نشان داده و آنها را مجازات می‌کند» (دورکیم، ۱۳۹۳، ۸۳). از نگاه دورکیم (۱۳۹۳)، ملاک‌ها و معیارهای جامعه، ارزش و هنجار خوانده می‌شود و فردی که برخلاف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی عمل می‌کند، از سوی اجتماع به‌عنوان منحرف و کجرو شناخته شده و با او مقابله می‌شود. در واقع، اغلب افراد جامعه از قواعد و ممنوعیت‌های مورد قبول اجتماع تبعیت می‌کنند در حالی که دیگران فاقد چنین ظرفیتی هستند و گروهی را تشکیل می‌دهند که از نظر روانی متجانس نبوده اما مکانیزم رفتاری آنان بر اساس مفاهیم روان‌شناسی روشن است که بزهکاران در این دسته قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، بیماری روانی مشخصی با عنوان بزهکاری وجود ندارد بلکه بزهکاری پیامد اختلال‌هایی نظیر اختلال رفتار یا شخصیت ضداجتماعی است و آنان را در گروه‌های ناسازگار اجتماعی قرار می‌دهد.

جرائم بزرگسالان در حوزه اختلال شخصیت ضداجتماعی قرار می‌گیرد اما بزهکاری کودکان در محدوده اختلال رفتاری بررسی می‌شود^۱. محققین معتقدند وجه تمایز بین بزهکار و غیربزهکار، خصوصاً در مورد کودکان و نوجوانان، بیشتر تابع عوامل کیفی است تا کمی. به عقیده گیدنز بسیاری از کودکان به عنوان جنبه‌های معصومانه فرایند رشد در نظر گرفته می‌شود اما در نواحی فقیرنشین، از دلایل گرایش به بزهکاری محسوب می‌شود (گیدنز، ۱۳۹۷، ۱۴۳). پیناتل، جرم‌شناس فرانسوی، بزهکاری کودکان در گروه همسالان را، بدون وابستگی به گروه و دسته خاص، بزه‌های اتفاقی، گروهی و بر مبنای احساس می‌داند.

گستره عمومی جرم^{۱۱} شامل جرائم علیه اشخاص^{۱۲}، جرائم علیه اموال^{۱۳} و جرائم علیه امنیت اجتماعی^{۱۴} است که تخریب اموال از جرائم خاص کودکان بوده و معمولاً با تشکیل گروه‌های اتفاقی، گاهی از روی کنجکاو و برای تفریح، بدون اطلاع از قوانین و نتایج آن انجام می‌شود. در بزهکاری کودکان، توسل به زور و تزویر برای ارتکاب بزه، تکرار بزه و اصرار بر انجام بزه بسیار کم است و به اقتضای سن، رشد فیزیولوژیک و ماهیت رفتاری مورد بررسی، قضاوت و صدور مراجع قضایی قرار می‌گیرد.



شکل ۴. جرائم ارتكابی کودکان کانون اصلاح و تربیت پسران تهران، متوسط آمار پنج‌ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۱

منبع: مرکز آمار کانون اصلاح و تربیت پسران تهران، ۱۳۹۷

جرائم علیه نظم عمومی ■ جرائم علیه اموال ■ جرائم علیه اشخاص



شکل ۵. گستره عمومی جرائم کودکان کانون اصلاح و تربیت پسران تهران، متوسط آمار پنج ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۱
منبع: مرکز آمار کانون اصلاح و تربیت پسران تهران، ۱۳۹۷

اسکان موقت کودک بزهکار

کودکانی که به هر دلیل مرتکب بزه می‌شوند، به جای آنکه به زندان فرستاده شوند، به مرکز اصلاح و تربیت سپرده می‌شوند تا دوران سلب آزادی خود را بگذرانند. در واقع، juvenile center که در ایران کانون اصلاح و تربیت خوانده می‌شود، بر اساس ماده ۱۹ آیین‌نامه قانونی و مقررات سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مرکزی است برای نگهداری، اصلاح، تربیت و تهذیب کودکان کمتر از ۱۸ سال تمام که مرتکب بزه شده‌اند. این کودکان که بنابر قانون شامل کودکان بزهکار ۶ تا ۱۸ سال و در وضعیت موجود کانون اصلاح و تربیت پسران تهران، شامل کودکان بزهکار ۹ تا ۲۰ سال می‌شود^{۱۵}، به دلیل سطح جرائم ارتكابی، انگیزه عمل، تأمین امنیت کودکان بزهکار در برابر مجرمان بزرگسال و نیز ممانعت از معاشرت آنها با مجرمان سابقه‌دار و تشکیل باندهای تبهکاری از مجرمان بزرگسال جدا می‌شوند تا از پی آمدهای منفی چنین ارتباطاتی جلوگیری شود. این مراکز و چنین احکامی اگرچه ممکن است چندان خوشایند نباشد اما برای حفظ امنیت اجتماعی و پیشگیری از ارتكاب به بزه‌های آتی لازم به نظر می‌رسد.

کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت پسران تهران در مدتی که بین سه ماه تا پنج سال متغیر است^{۱۶}، در این مرکز اسکان داده می‌شوند که بخشی از مهم‌ترین دوره زندگی آنان است. در چنین دورانی اگر وظیفه کانون اصلاح و تربیت تنها سلب آزادی بزهکاران باشد و در ازای آزادی اذ دست‌رفته چیزی به آنان اعطا نکند، تأثیر منفی آن به مراتب بیش از تأثیر اصلاحی-تربیتی آن خواهد بود، چنان که لرد جاستیس وولف، محقق در زمینه ساختمان زندان‌ها، معتقد است روشی که برای طراحی زندان اتخاذ می‌شود، به‌وضوح بر جو زندان مؤثر بوده و با ساختن زندان‌هایی که اضطراب را به ساکنان القا می‌کند، تنها در جهت دامن‌زدن به ناآرامی‌ها گام برداشته می‌شود (Fairweather & McConville, 2013, 43). بنابراین، لازم است چنین مراکزی با هدف محل‌هایی برای اسکان، اصلاح و تربیت کودکان بزهکار، وابسته به مقتضیات سنی و ادراکی مخاطبان طرح شود اما خواسته‌ها و ادراک فضایی کودک در سنین ۶ تا ۱۸ سال چیست؟

کودک در سنین نوجوانی از احساس‌گرایی به سوی عقل‌گرایی در حرکت است و نیاز به امنیت در او شکل تازه‌ای می‌یابد. کودک بزهکار برخلاف آنچه به نظر می‌رسد و در اذهان عمومی پذیرفته شده، دارای توان ذهنی بیشتر یا کمتر از دیگران نیست و شرایطی مشابه همسالان خود دارد. نوجوان در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال در پی یافتن خود در فضا است نه کشف فضا. این فرد نیاز به مأمونی دارد که به آن تعلق داشته باشد و بتواند به‌عنوان یک پناهگاه شخصی برای گریز از ناامیلات، فشارها و تنش‌های خارجی عمل کند. در حقیقت، انسان فضای زیستی را بر اساس نیاز به امنیت روانی به دو دسته تفکیک می‌کند: فضای مسکون و فضای

غیرمسکون که این دو حوزه با حصارهای خانه از یکدیگر جدا می‌شوند و معماری را شکل می‌دهند. زمانی که کودکان بزهکار دوران اصلاحی محکومیت خود را می‌گذرانند، کانون مسکنی است موقت برای وقوف آنان که در ازای منع ورود و خروج آزادانه، شامل فضاهایی باشد برای ادراک مفهوم واقعی سکونت. این پژوهش به دنبال استخراج برخی پارامترهای مؤثر بر طراحی کانون اصلاح و تربیت بوده تا با کاهش فشارهای محیطی و در یک فرایند ناخودآگاهانه، توانایی کودک را به جای مقابله با ناسازگاری‌های فضای نگهداری، به سوی دریافت نکات اصلاحی-تربیتی پیش برد و در همین راستا، با تقویت حس آزادی و کنترل رفتار، سکونت موقت ولی ناخواسته کودک بزهکار را هدفمند نموده و توانایی‌های مثبت او را ارتقا بخشد.

همواره رفتارگرایان طراح تلاش داشته‌اند تا تمایلات رفتاری کاربران (گرایش مشارکتی) و الگوهای رفتاری ایشان (گرایش علوم رفتاری و روان‌شناسی محیطی) به عنوان مبنای برنامه‌ریزی معماری قرار گیرد (استیونسون، ۱۳۸۸، ۶۱). اگرچه روان‌شناسی محیط هیچگاه مدعی ایده‌آل‌ها نبوده و به آن چیزی می‌پردازد که «هست» اما تلاش دارد تا با مطالعه روان‌شناختی رفتار در محیط کالبدی زندگی روزمره، طراحی پیش برود (لنگ، ۱۳۸۱، ۲۳). در این پژوهش جهت تدوین مدل مفهومی پس از بررسی تعاریف، مفاهیم و بررسی آرای نظریه‌پردازان، ابعاد گوناگونی که می‌تواند بر رفتار و نحوه فعالیت کودک بزه‌کار در محیط کانون اصلاح و تربیت تأثیر بگذارد، شناسایی شده و معیارها و شاخص‌هایی نیز از میان آنها اتخاذ شده‌اند. ابعاد تأثیر پذیری کودک بزه‌کار در سه بعد اصلی مشخصه‌های کودک، نوع جرائم و ویژگی‌های محیط کالبدی تقسیم‌بندی شده است. هر کدام از این ابعاد معیارهایی دارد و هر معیار یک یا چند شاخصه را داراست. ابعاد، معیارها و شاخص‌ها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. ابعاد، معیارها و شاخص‌های پژوهش

ابعاد	معیارها	شاخص‌ها
مشخصه‌های کودک	فردی	سن، تحصیلات، علایق فردی
	خانوادگی؛ اجتماعی- فرهنگی	بعد خانوار، تحصیلات پدر و مادر و افراد خانواده، میزان مطالعه و فعالیت‌های فرهنگی (رفتن به سینما و تئاتر)
	خانوادگی؛ اقتصادی	میزان درآمد، وضعیت مالکیت خانه مسکونی، شغل سرپرست خانوار
نوع جرائم	جرائم علیه نظم عمومی	مواد مخدر و اعتیاد، وسایل ممنوع، تخلفات رانندگی، اختلال در آسایش، علیه اشخاص، اختلال در نظم عمومی، جعل و تزویر، تعدی به مأمور دولت و علیه امنیت عمومی
	جرائم علیه اموال	سرقت، علیه اموال، تخریب اموال
ویژگی‌های محیط کالبدی	جرائم علیه اشخاص	قتل، ضرب و جرح، نزاع، آدم‌ربایی و حتک حرمت و افترا
	کیفیت‌های بصری محیط	چشم‌انداز، رنگ، بافت، نقش و مصالح
	تجهیزات و تسهیلات محیط	روشنایی، چیدمان، آثار هنری و تعداد پنجره
	طرح و هندسه فضایی محیط	تناسبات، شکل، نور طبیعی، نحوه ورود، اندازه و ظرفیت اتاق‌ها

تجزیه و تحلیل اطلاعات پژوهش

جامعه نمونه کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران از تفکیک سنی قابل توجهی برخوردار است به این معنا که ۲۵/۰۰٪ کمتر از ۱۶ سال، ۶۹/۷۹٪ تا ۱۶ سال و ۵/۲۱٪ بالاتر از ۱۸ سال است و نشان می‌دهد غالباً بزهکاری کودکان در ۱۶ تا ۱۸ سالگی و همزمان با دوران بحرانی گذار از کودکی به بزرگسالی است. همچنین جامعه نمونه کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران از تفکیک جرمی

ویژه‌های برخوردار است به این معنا که بزه علیه اموال با ۵۱/۰۴٪ و بزه علیه نظم عمومی با ۱۷/۷۱٪ بیشترین و کمترین آمار بزهکاری را داشته‌اند.

یافته‌های حاصل از پژوهش ابتدا در هفت بخش دسته‌بندی گردید تا بتوان به نتایج عمومی حاصل از آن دست یافت. هفت بخش عبارتند از: ویژگی‌های عمومی، ویژگی‌های شخصیتی - فردی، ویژگی‌های روانی، مدت زمان محکومیت (حضور در کانون)، ویژگی‌های خانه دلخواه و ویژگی‌های اتاق دلخواه از نگاه کودک.

ویژگی‌های فردی

ویژگی‌های فردی جامعه نمونه کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران به شرح زیر است:

- ۶۹/۷۹٪ ساکن شهر تهران و حومه، ۳۰/۲۱٪ ساکن شهرستان هستند.
- ۵۲/۰۸٪ متولد شهر تهران و حومه، ۳۸/۳۸٪ متولد شهرستان و ۱۳/۵۴٪ متولد خارج از کشور (افغانستان) هستند.
- ۵/۲۱٪ در خانواده با یک فرزند، ۴۳/۷۵٪ در خانواده با ۲ تا ۴ فرزند و ۵۱/۰۴٪ در خانواده با ۵ فرزند و بیشتر زندگی می‌کنند.
- ۷۹/۱۶٪ تحت سرپرستی پدر و یا مادر، ۹/۳۸٪ تحت سرپرستی دیگران و ۱۱/۴۶٪ بدون سرپرست هستند.
- ۱۲/۵۰٪ بی‌سواد، ۱۷/۷۱٪ تحصیلات ابتدایی، ۶۹/۷۹٪ تحصیلات راهنمایی و دبیرستان دارند.
- بزه ارتکابی ۵۱/۰۴٪ بر ضد اموال، ۳۱/۲۵٪ بر ضد اشخاص و ۱۷/۷۱٪ بر ضد نظم عمومی است.
- مدت محکومیت ۵۷/۲۹٪ نامشخص، ۱۵/۶۲٪ تا شش ماه، ۱۰/۴۲٪ بیش از شش ماه تا یک سال و ۱۶/۶۷٪ بیش از یک سال است.
- ۷۰/۸۳٪ بدون سابقه محکومیت، ۲۶/۰۴٪ یک بار سابقه محکومیت و ۳/۱۳٪ بیش از یک بار سابقه محکومیت دارند.
- ۷۸/۱۲٪ تا شش ماه، ۱۳/۵۵٪ بیش از شش ماه تا یک سال و ۸/۳۳٪ بیش از یک سال در کانون حضور داشته‌اند.

علاقه‌مندی‌ها

علاقه‌مندی‌های جامعه نمونه کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران به شرح زیر است:

- ۲۷/۹۷٪ در مدرسه، ۶۴/۴۱٪ در کارگاه‌ها و ۷/۶۳٪ در بخش‌های دیگر کانون مشغول فعالیت هستند.
- ۴۳/۷۵٪ علاقه‌مند به تحصیل و ۵۶/۲۵٪ علاقه‌مند به اشتغال هستند.
- ۷۲/۹۲٪ علاقه‌مند به ورزش (شنا، فوتبال، بدنسازی، هندبال، والیبال، بسکتبال و کشتی) و ۲۷/۰۸٪ تمایل به ورزش ندارند.
- ۹۵/۲۴٪ علاقه‌مند به تماشای فیلم (اکشن، علمی-تخیلی، کمدی، رمانتیک، رئال و ترسناک) و ۴/۷۶٪ تمایل به تماشای فیلم ندارند.
- ۴۵/۵۴٪ علاقه‌مند به کتابخوانی (علمی، تاریخی، مذهبی، شهر و داستان) و ۵۴/۴۶٪ تمایل به کتابخوانی ندارند.

- ۸۳/۳۳٪ برای شغل آینده خود تصمیم گرفته و ۱۶/۶۷٪ هنوز نمی‌داند که در آینده می‌خواهد چه کاره شود.
- ۶۲/۱۵٪ دوستانشان را داخل کانون پیدا کرده‌اند، ۱۸/۴۰٪ از قبل با هم دوست بوده‌اند و ۱۹/۴۴٪ هیچ دوستی در کانون ندارند.
- ۴۶/۶۰٪ تمایل به تنهایی و ۵۳/۴۰٪ تمایل به حضور در جمع‌های دوستانه دارند.
- ۹۷/۹۲٪ تمایل به آزادی و ۲/۰۸٪ تمایل به ماندن در کانون دارند.
- بلافاصله پس از آزادی، ۷۱/۸۸٪ به خانه، ۱۹/۷۹٪ به جایی غیر از خانه و ۸/۳۳٪ هیچ جایی برای رفتن ندارند.
- بلافاصله پس از آزادی، ۳۸/۵۴٪ به دنبال یافتن شغل، ۱۷/۷۱٪ ادامه تحصیل، ۱۷/۷۱٪ دیدار دوستان و ۲۶/۰۴٪ هیچ کاری انجام نمی‌دهند.
- کلمه کانون برای ۲/۰۸٪ تداعی‌گر خوشبختی، ۱۲/۵۱٪ تداعی‌گر دوستان و خانواده، ۵۳/۱۳٪ تداعی‌گر زندان و بدبختی و برای ۱۷/۷۱٪ تداعی‌گر هیچ چیز نیست.

سلیقه‌های فردی

سلیقه‌های فردی جامعه نمونه کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران به شرح زیر است:

- ۴۰/۶۳٪ دایره، ۷/۲۹٪ مثلث، ۴۲/۷۲٪ چهارضلعی، ۷/۲۹٪ پنج‌ضلعی و ۲/۰۸٪ هیچ کدام را دوست دارند.
- ۱۴/۵۷٪ رنگ قرمز، ۲/۶۵٪ رنگ نارنجی، ۱۱/۹۲٪ رنگ زرد، ۲۰/۵۳٪ رنگ سبز، ۱۶/۵۶٪ رنگ آبی، ۳/۷٪ رنگ بنفش، ۳/۳۱٪ رنگ قهوه‌ای، ۱۷/۸۸٪ رنگ سیاه، ۵/۹۶٪ رنگ سفید و ۲/۶۵٪ رنگ خاکستری را دوست دارند (۲۹/۱۴٪ رنگ‌های گرم، ۴۱/۰۶٪ رنگ‌های سرد و ۲۹/۸۰٪ رنگ‌های خنثی را دوست دارند).
- برای ساختن یک ساختمان عام‌المنفعه، ۳۷/۲۷٪ مسجد، ۳۰/۰۰٪ بیمارستان، ۹/۰۹٪ ورزشگاه، ۱۰/۰۰٪ مدرسه و ۱۰/۹۱٪ هتل را انتخاب کرده‌اند.

ویژگی‌های خانه دلخواه

ویژگی‌های خانه دلخواه برای جامعه نمونه کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران به شرح زیر است:

- برای ساختن یک خانه، ۶۰/۳۴٪ بتن و فلز، ۲۰/۰۰٪ سنگ و آجر، ۶/۹۰٪ چوب و ۵/۱۷٪ شیشه را انتخاب کرده‌اند.
- برای علت انتخاب مصالح خانه، ۶۰/۲۱٪ امنیت و استحکام، ۷/۱۴٪ قوانین ساختمان، ۲۲/۴۵٪ زیبایی و ۱۰/۲۰٪ مصالح را بی‌دلیل انتخاب کرده‌اند.
- برای ساختن خانه، ۴۳/۷۵٪ یک تا دو طبقه، ۳۶/۴۶٪ سه تا پنج طبقه، ۱۴/۵۹٪ شش طبقه و بیشتر را انتخاب کرده‌اند.
- برای محل ساخت خانه، بر اساس تصاویر ارائه شده از محیط‌های شهری، روستایی و طبیعت بکر، ۲۹/۱۷٪ مناطق شهری، ۸/۳۳٪ مناطق روستایی و ۶۲/۵۰٪ طبیعت بکر را انتخاب کرده‌اند.
- ویژگی‌های اتاق دلخواه
- ویژگی‌های اتاق دلخواه برای جامعه نمونه کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران به شرح زیر است:

- ۲۸/۱۳٪ اتاق بزرگ، ۳۷/۵۰٪ اتاق متوسط، ۹/۳۸٪ اتاق کوچک را دوست دارند و اندازه اتاق محل سکونت برای ۲۵/۰۰٪ اهمیت ندارد.
- ۴۰/۶۳٪ طبقه اول، ۱۷/۷۱٪ طبقه دوم، ۱۳/۵۴٪ طبقه سوم و ۱۷/۷۱٪ طبقات چهارم و بیشتر را دوست دارند و طبقه اتاق محل سکونت برای ۱۰/۴۲٪ اهمیت ندارد.
- ۱۹/۷۹٪ اتاق یک نفره، ۲۰/۸۳٪ اتاق دو نفره و ۵۱/۰۵٪ اتاق سه نفره و بیشتر را ترجیح می‌دهند و تعداد ساکنان اتاق برای ۸/۳۳٪ اهمیت ندارد.
- تناسب اتاق دلخواه برای ۴۰/۶۳٪ مستطیل کشیده، ۴۰/۶۳٪ مستطیل طلایی و ۱۵/۶۳٪ مربع است و تناسب اتاق برای ۳/۱۳٪ اهمیت ندارد.
- محل ورود به اتاق برای ۳۶/۴۶٪ از گوشه اتاق و ۶۰/۴۲٪ از میانه اضلاع اتاق مطلوب است و محل ورود به اتاق برای ۳/۱۳٪ اهمیت ندارد.
- رنگ مناسب اتاق برای ۱۱/۳۳٪ رنگ قرمز، ۴/۶۷٪ رنگ نارنجی، ۱۰/۰۰٪ رنگ زرد، ۱۲/۶۷٪ رنگ سبز، ۲۲/۰۰٪ رنگ آبی، ۵/۳۳٪ رنگ بنفش، ۴/۰۰٪ رنگ قهوه‌ای، ۳۵/۰۶٪ رنگ سیاه، ۱۷/۸۱٪ رنگ سفید و ۳/۳۳٪ رنگ خاکستری را انتخاب کردند (۰/۲۶٪ رنگ‌های گرم، ۴۰/۰۰٪ رنگ‌های سرد و ۵۱/۰۰٪ رنگ‌های خنثی را انتخاب کرده‌اند).
- برای موقعیت تخت در اتاق گروهی، ۷۲/۹۲٪ موقعیت کنار پنجره، ۱۸/۷۶٪ موقعیت‌های میانی و ۶/۲۵٪ موقعیت کنار در را انتخاب کرده‌اند و موقعیت تخت در اتاق گروهی برای ۲/۰۸٪ اهمیت نداشت.
- برای موقعیت تخت در اتاق خصوصی نسبت به پنجره، ۷۷/۰۹٪ موقعیت‌های مجاور پنجره، ۱۵/۶۳٪ موقعیت‌های میانی اتاق و ۷/۲۸٪ موقعیت‌های دور از پنجره را انتخاب کردند.
- برای موقعیت تخت در اتاق خصوصی نسبت به در، ۱۹/۱۷٪ موقعیت‌های مقابل در، ۹/۳۸٪ موقعیت‌های میانی اتاق و ۷۰/۸۴٪ موقعیت‌های دور از در را انتخاب کردند.
- برای میزان روشنایی اتاق، ۲۸/۱۳٪ خیلی روشن، ۳۸/۵۴٪ نسبتاً روشن، ۲۷/۰۸٪ نسبتاً تاریک و ۶/۲۵٪ خیلی تاریک را انتخاب کردند.
- برای تعداد پنجره اتاق، ۴/۱۷٪ بدون پنجره، ۳۰/۲۱٪ یک پنجره، ۴۵/۸۳٪ دو پنجره و ۱۹/۷۹٪ بیش از دو پنجره را انتخاب کردند.
- برای چشم‌انداز اتاق، ۳/۵۱٪ هیچ‌چیز، ۲۰/۱۷٪ دید به شهر و خیابان و ۷۶/۳۲٪ دید به طبیعت (دریا، کویر، کوه، آسمان، جنگل) را انتخاب کردند.
- برای شکل پنجره، ۳۶/۴۶٪ دایره، ۳۱/۲۵٪ مربع و ۳۲/۲۹٪ مستطیل را انتخاب کردند. هیچ‌یک پنجره‌های مربع و مستطیل با فریم عمودی را انتخاب نکردند.

تصویرگری خانه دلخواه و اتاق دلخواه

- تصویرگری خانه دلخواه کودک که به‌منظور تعیین سطح ادراک بصری - فضایی کودک طرح شد، شامل دو بخش نقاشی خانه دلخواه و نقاشی اتاق دلخواه است. ابتدای کار از نقاشی خانه انتزاعی شروع می‌شود و پس از پرسش‌های مطرح‌شده در مورد رنگ، شکل، فضا و موقعیت عناصر، از کودک خواسته می‌شود تا اتاق دلخواه خود را نقاشی کند.
- در نقاشی خانه، ۱۲/۵۰٪ پلان، ۵۴/۱۷٪ یک نما، ۳۱/۲۵٪ دو نما و ۲/۰۸٪ ایزومتریک با دو نما ترسیم کردند.

- ۱۰/۴۲ بدون در، ۸۳/۳۳ یک در و ۶/۲۵ دو در ترسیم کردند.
- ۱۷/۷۱ بدون پنجره، ۱۳/۵۴ یک پنجره، ۶۸/۷۵ بیش از یک پنجره ترسیم کردند.
- ۱۲/۵۰ پلان (بدون نشان دادن سقف)، ۴/۱۷ سقف منحنی، ۸/۳۳ سقف صاف و ۷۵/۰۰٪ سقف شیبدار ترسیم کردند.
- در نقاشی اتاق، ۲۳/۹۶ بدون در و ۷۶/۰۴ یک در ترسیم کردند.
- ۲۲/۹۲ بدون پنجره، ۳۹/۵۸ یک پنجره و ۳۷/۵۰ بیش از یک پنجره ترسیم کردند.
- ۳۳/۳۳ یک نفر، ۱۰/۴۲ دو نفر و ۵۶/۲۵ بیش از دو نفر در اتاق ترسیم کردند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از پژوهش در دو بخش مورد تحلیل قرار گرفت که همبستگی میان «داده‌های طرح-سن کودک» و همبستگی میان «داده‌های طرح-نوع بزه» را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصل از این بررسی‌ها به کمک آزمون کا-اسکوئر تحلیل شد که در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج حاصل از بررسی همبستگی میان سلیق و درک فضایی کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت تهران پسران تهران با گروه سنی و گروه بزه ارتكابی

	سن		بزه ارتكابی	
	value	p-value	value	p-value
شکل موردعلاقه	21.474	0.001	1.517	0.824
رنگ موردعلاقه	3.163	0.531	10.613	0.031
مصالح خانه	1.082	0.582	7.820	0.020
تعداد طبقات خانه	0.548	0.760	1.288	0.525
طبقه اتاق کودک	1.117	0.572	0.666	0.717
ظرفیت اتاق کودک	3.235	0.519	6.813	0.146
فام‌رنگی اتاق کودک	4.729	0.094	1.561	0.458
رنگ اتاق کودک	6.812	0.146	5.772	0.217
محل تخت در اتاق عمومی	2.875	0.237	0.752	0.687
محل تخت در اتاق خصوصی- نسبت به پنجره	2.997	0.223	2.610	0.271
محل تخت در اتاق خصوصی- نسبت به در	0.815	0.665	1.001	0.606
روشنایی اتاق	3.850	0.146	3.073	0.215
چشم‌انداز پنجره	3.769	0.152	0.069	0.966
شکل پنجره	5.615	0.230	5.505	0.239

بر اساس تحلیل کا-اسکوئر:

- ارتباط معناداری میان گروه‌های سنی و انتخاب شکل موردعلاقه وجود دارد. در انتخاب شکل موردعلاقه، کودکان کمتر از ۱۶ سال دچار پراکندگی انتخاب، ۱۶ تا ۱۸ سال شکل‌های گرد و منحنی و بیش از ۱۸ سال شکل‌های چهارضلعی و راست‌گوشه را انتخاب کردند. این همبستگی را می‌توان میان ادراک شناختی در گروه‌های سنی مختلف در نظر گرفت و بیان‌گر میزان تأثیر ادراک شناختی بر ادراک معماری کودک است، چنانکه در فرضیه‌ها نیز آمده بود و به اثبات رسید.
- ارتباط معناداری میان بزه‌های ارتكابی و انتخاب رنگ موردعلاقه وجود دارد. در انتخاب رنگ موردعلاقه، کودکان با بزه ارتكابی در گروه ضداموال، ابتدا رنگ‌های سرد سپس رنگ‌های گرم

و در نهایت رنگ‌های خنثی را انتخاب کردند، کودکان با بزه ارتكابی در گروه ضد اشخاص ابتدا رنگ‌های خنثی سپس رنگ‌های سرد و در نهایت رنگ‌های گرم را انتخاب کردند و کودکان با بزه ارتكابی در گروه ضد نظم عمومی ابتدا رنگ‌های گرم سپس رنگ‌های سرد و در نهایت رنگ‌های خنثی را انتخاب کردند. این همبستگی را می‌توان میان حالت‌های روحی-روانی کودکان در گروه‌های بزه ارتكابی در نظر گرفت و بیانگر میزان هیجان‌پذیری آنان است، چنان‌که در فرضیه‌ها نیز آمده بود و به اثبات رسید.

- ارتباط معناداری میان بزه‌های ارتكابی و علت انتخاب مصالح مناسب برای ساخت خانه وجود دارد. در انتخاب مصالح مناسب برای ساخت خانه، کودکان با بزه ارتكابی در گروه ضد اموال، ابتدا زیبایی سپس استحکام را انتخاب کردند، کودکان با بزه ارتكابی در گروه ضد اشخاص ابتدا استحکام سپس زیبایی را انتخاب کردند و کودکان با بزه ارتكابی در گروه ضد نظم عمومی ابتدا استحکام سپس زیبایی را انتخاب کردند. این همبستگی را می‌توان میان حالت‌های روحی-روانی کودکان در گروه‌های بزه ارتكابی در نظر گرفت و بیانگر میزان توانایی و نیاز به حس امنیت در آنان است، چنان‌که در فرضیه‌ها نیز آمده بود و به اثبات رسید.
- ارتباط معناداری میان گروه‌های سنی با ادراک فضا در حوزه‌های رنگ موردعلاقه، مصالح خانه، تعداد طبقات خانه، طبقه اتاق کودک، ظرفیت اتاق کودک، فام‌رنگی اتاق کودک، رنگ اتاق کودک، محل تخت در اتاق - کودک، روشنایی اتاق، چشم‌انداز پنجره و شکل پنجره به اثبات نرسید؛ اما به نظر می‌رسد اغلب تمایلات بر مبنای گروه‌های سنی، متفاوت است. علیرغم آن‌که نمی‌توان آن‌ها را برای همه کودکان در این گروه‌های سنی به عنوان ویژگی ثابت محسوب نمود، ارقام نشان می‌دهد که تمایلات با توجه به این پارامتر سمت‌وسو پیدا می‌کند و لازم است کودکان در گروه‌های سنی مختلف، از یکدیگر تفکیک شوند.
- ارتباط معناداری میان بزه ارتكابی با ادراک فضا در حوزه‌های شکل موردعلاقه، تعداد طبقات خانه، طبقه - اتاق کودک، ظرفیت اتاق کودک، فام‌رنگی اتاق کودک، رنگ اتاق کودک، محل تخت در اتاق کودک، روشنایی - اتاق، چشم‌انداز پنجره و شکل پنجره به اثبات نرسید؛ اما به نظر می‌رسد برخی تمایلات معماری بر مبنای گروه‌های بزه ارتكابی، متفاوت است هرچند که این تفاوت‌ها به شدت تفاوت در گروه‌های سنی نیست. با این وجود توصیه می‌گردد کودکان بزه‌کار کانون اصلاح و تربیت با توجه به گروه‌های بزه ارتكابی تفکیک شوند تا بتوان به‌طور مؤثر و مطلوب عمل کرد.

جدول ۳. نتیجه‌گیری

معیارها	شاخص‌ها	نتیجه
کیفیت‌های بصری محیط	چشم‌انداز	ایجاد چشم‌اندازهایی با مناظر طبیعت (دریا، کویر، کوه، آسمان، جنگل)
	رنگ	اهمیت انتخاب رنگ مناسب برای فضاها با توجه به گروه‌های جرمی
	بافت و نقش	تمایل به بافت‌های رایج و ساده
تجهیزات و تسهیلات محیط	مصالح	اهمیت استحکام و ایمنی با توجه به گروه‌های جرمی
	روشنایی	تمایل نسبت به وجود روشنایی کافی در فضا
	چیدمان	ایجاد فضای مطلوب با استفاده از مبلمان و چیدمان آنها
	تعداد پنجره	اهمیت ایجاد بازشوهای متعدد برای افزایش کیفیت فضا و ارتباط بصری با محیط بیرون
طرح و هندسه فضایی محیط	آثار هنری	انتخاب آثار هنری با محوریت طبیعت
	تناسبات	تمایل به تناسبات فضایی کشیده برای حفظ حریم‌های خصوصی
	شکل	عدم تمایل به انتخاب شکل بازشو در مقابل تمایل به انتخاب شکل در گروه‌های سنی
	اندازه و ظرفیت اتاق	تمایل به اتاق‌هایی با ابعاد متوسط و جمعیت محدود برای حفظ حریم خصوصی
	نحوه ورود	انتخاب ورودی در موقعیت‌های با ایجاد حریم‌های خصوصی

- پیشنهاد می‌شود با توجه به عدم وجود ارتباط معنادار میان اغلب موارد با گروه‌های سنی / بزه ارتكابی، آزمون در میان گروهی از کودکان غیربزه‌کار تکرار شود تا گام مؤثری در راستای تسری نتایج باشد.
- پیشنهاد می‌شود نتایج مورد تأیید آزمون به مدت محدود و مشخص در بخشی از فضای کانون به کار گرفته شود و با انجام آزمون‌های روان-رفتارشناسی، قبل و بعد از اجرا، نتایج مورد بررسی مجدد قرار گیرد.
- پیشنهاد می‌شود آزمون به صورت محدود تکرار شود با این مضمون که از زمینه‌های نامرتب با نتایج کاسته و به عمق مطالب در زمینه‌های مرتبط پرداخته شود تا نتایج اجرایی و عمیق‌تری استخراج گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در حقوق قضایی بین‌المللی، کودک بزه‌کار فردی است که به هجده‌سال تمام نرسیده است و بزه‌کاری کودک، تخطی از قانون به‌وسیله فردی است که هجده‌سال تمام ندارد و اگر توسط یک بزرگسال انجام شود، تبدیل به جرم می‌شود. با فرد ۱۸-۲۱ سال نیز در صورتی که ارتکاب عمل پیش از هجده‌سال تمام رخ داده باشد، همچون کودک بزه‌کار برخورد می‌شود. البته در نقاط مختلف دنیا، در صورت ارتکاب به جرم جدی و ارتکاب مکرر بزه، سن مسئولیت‌پذیری در برابر اعمال ارتكابی کاهش می‌یابد. بر اساس بند ۲۳۰-۸-۹ آیین‌نامه United Nation standard minimum rules for the administration of juvenile justice (Department of Public Information, 1985):
- ۲-۲-الف - بزه‌کار (Juvenile) یک کودک یا نوجوان است که در سیستم حقوق قانونی مرتکب یک بزه شده است و متفاوت از جرائم بزرگسالان است.
- ۲-۲-ب - بزه (Offence) به رفتار ارادی یا غیرارادی گفته می‌شود که توسط قانون در سیستم حقوق قانونی قابل مجازات است.

۲-۲-ج- کودک بزهکار (juvenile offender Juvenile delinquent) کودک یا نوجوانی است که ادعا می‌شود یا اثبات شده است که مرتکب یک بزه شده است.

۲. اصل یک کنوانسیون حقوق کودک: بر اساس کنوانسیون حقوق کودک (Rights under the convention on the rights of the child) کودک فردی کمتر از هجده سال تمام است مگر آن‌که در کشوری سن قانونی دیگری برای ورود به بزرگسالی تعریف شده باشد. کمیته حقوق کودک، کشورها را برای بازبینی این سن و بالابردن آن در صورتی که قبل از هجده سال تمام باشد، تشویق می‌کند که هدف آن بالا بردن سطح حمایت از همه کودکان زیر هجده سال تمام است (Hodgkin & Newll, 2007).

3. Juvenile center

۴. رده امنیتی زندان متناسب است با خطر امنیتی زندانی‌هایی که در آن نگهداری می‌شوند. خطر بالاتر، لایه‌های بیشتری از امنیت فیزیکی یا محدوده‌های بازداشت، منع و جلوگیری از فرار دارد (UNODC, 2015):

رده اول: زندان با رده یک امنیتی دارای بیشترین لایه‌های امنیتی برای جلوگیری از فرار زندانی‌ها است. عملکرد لایه‌ها مانند زندان‌های تودرتو بوده و محوطه‌های آزاد با امکانات امنیتی مضاعف در مرکز قرار می‌گیرند؛

رده دوم: رده دوم زندان‌هایی بدون محوطه آزاد مرکزی هستند اما حصار پیرامونی برای جلوگیری از دسترسی زندانی‌ها به دیوار پیرامونی وجود دارد. تجهیزات حوزه بندی برای جلوگیری از فرار زندانی‌ها در نظر گرفته می‌شود؛

رده سوم: زندانی‌هایی که در رده سوم نگهداری می‌شوند، شایستگی بیشتری برای اعتماد دارند اما امکاناتی نظیر محل اقامت امنیتی و دیوارهای پیرامونی برای ممانعت از فرار وجود دارد؛

رده چهارم: زندانی‌هایی در رده چهارم نگهداری می‌شوند که کمترین خطر فرار را دارند و گاهی به این گونه زندان‌ها، زندان آزاد نیز گفته می‌شود. این زندان‌ها شبیه خوابگاه‌هایی هستند که در طول شب قفل می‌شوند. در این زندان‌ها ایجاد حصار پیرامونی به منظور تعیین مرزهای زندان است و ممانعتی برای فرار ایجاد نمی‌کند.

5. Pre-test

6. Main questionnaire

7. Supplementary questionnaire

8. K-square test

۹. رشد کودک در چهار حوزه بررسی می‌شود که عبارتند از (دالکی، ۱۳۹۰، ۲۷۱-۲۳۰؛ پیازه و اینهلدر، ۱۳۹۷، ۸۱-۷۹؛ پارسا، ۱۳۹۳، ۱۱۰-۱۰۱):

رشد جسمی از تغییرات بارز دوران نوجوانی است و روندی نسبتاً منظم دارد. برخی علائم آن عبارتند از افزایش وزن، رشد استخوان‌ها، افزایش قد، رشد عضلات، تغییر عملکرد غدد، تکامل جنسی و در نهایت اضطراب ناشی از آن که دو تا چهار سال طول می‌کشد.

رشد هیجانی و هویت‌یابی نوجوان موجب می‌شود تا بر اساس عقل عمل کند، درباره اعمال خود توضیح دهد و مسئولیت آن را بپذیرد اما پیش از توافق در مورد ارزش‌ها و هدف‌ها، دچار بحران هویت می‌شود. در اواخر نوجوانی، توانایی تفکر انتزاعی، موجب می‌شود او بتواند صفات خود را در یک سیستم منظم ترکیب کند و با درک ویژگی‌های روانی، ارزش‌های شخصی و اخلاقی را درک نماید.

رشد اخلاقی نوجوان هم‌زمان با آغاز خودمختاری و اهمیت نقش همسالان است که با سازماندهی گروه‌هایی از دوستان، رفتارهایی را شکل می‌دهد که آنان را از دیگران متمایز کند. در این دوران، بروز افسردگی که از شایع‌ترین مشکلات این دوران است، توانایی تسلط بر روند رشد کاهش یافته و اضطراب مداوم، سوء مصرف مواد، قانون‌شکنی و تصادفات رانندگی بروز می‌یابد.

رشد شناختی موجب می‌شود نوجوان نحوه ادراک خود و دیگران را بازنگری کند و با مباحثه، خودآگاهی و آرمان‌گرایی تفکر انتزاعی خود را به کارگیرد که به اعتقاد پیازه با شکل جدیدی از تمرکز بر خود همراه است؛ اما ناتوانی در تمایز دیدگاه‌های انتزاعی از خود باعث ایجاد دو تصور تحریف شده می‌شود که اولی تماشاگران خیالی است و او همواره تصور می‌کند در کانون توجه قرار دارد و دیگری افسانه شخصی است و او خود را استثنایی و بی نظیر می‌بیند که هر دو موجب مخاطره جویی می‌شود.

۱۰. سرکشی افراد در برابر هنجارهای اجتماعی توسط قوانین و قراردادهای اجتماعی درجه بندی و به سه دسته تقسیم می‌شود (UNODC, 2015):

- جنایت (felonies): یک جرم جدی که در قوانین بین‌المللی تعیین شده و مجازات آن جریمه، شلاق یا حبس بیش از یک سال است؛
- جرم یا تخطی از قانون (misdemeanors): جرائم سبک‌تر از جنایت که مجازات آن جریمه، شلاق یا حبس متفاوت

- از مجازات جاری در بخش جنایت است؛
- تخلف (violations): فعالیت غیرقانونی یا بالاجبار است.
۱۱. گستره جرائم بر اساس سامانه ملی گزارش‌های حوادث محور NIBRS: National Incident-Based Reporting System عبارتند از:
- جرائم علیه اشخاص شامل قتل، حمله، تجاوز جنسی، آدم‌بایی، ارباب و تهدید جرائم علیه اموال شامل آتش‌سوزی، فساد و رشوه‌خواری، سرقت اموال، تقلب و جعل، شرارت و آسیب به اموال، اختلاس، اخاذی، دستبرد جرائم علیه امنیت اجتماعی شامل مصرف مواد مخدر، قمار، پورنوگرافی کودکان، تن‌فروشی، حمل سلاح
12. Crime against the person
13. Crime against the property
14. Crime against the society
۱۵. کودکان بزهکار کانون اصلاح و تربیت پسران تهران بر اساس سن و جرم طبقه‌بندی می‌شوند که بنابر صلاح‌دید قضات، غالباً برای کودکان کمتر از ۱۲ سال محکومیت تأدیبی خارج از زندان و داخل خانواده در نظر گرفته می‌شود تا درون خانواده رشد کنند مگر آنکه خانواده صلاحیت نگهداری از کودک را نداشته باشد که در این صورت در بخش ویژه کودکان نگهداری می‌شود.
۱۶. زمان سکونت کودکان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت اغلب بین سه تا شش ماه بوده و به‌ندرت تا یک سال ادامه می‌یابد. افرادی که بیش از این مجبور به اقامت در کانون باشند، دارای شرایط خاصی از جمله بزه‌های خطرناک یا بدسرپرست هستند که تشخیص داده می‌شود اقامت در کانون به نفع وی است (گزارش دوره‌ای عملکرد کانون اصلاح و تربیت پسران تهران، نیمه دوم سال ۱۳۹۷).

فهرست منابع

- استیونسون، دבורا (۱۳۸۸). *شهرها و فرهنگ‌های شهری* (مترجمان: رجب پناهی و احمد پورا احمد). تهران: وزارت راه و شهرسازی.
- پارسا، محمد (۱۳۹۳). *روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان*. تهران: موسسه انتشارات بعثت.
- پیماژه، ژان، اینهلدر، باربل (۱۳۹۷). *روان‌شناسی کودک* (مترجم: زینت توفیق). تهران: نشر نی.
- دلکی، فیروزه (۱۳۹۰). *روان‌شناسی رشد کودک و نوجوان*. تهران: نشر پیک ادبیات.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۳). *قواعد و روش جامعه‌شناسی* (مترجم: علی محمد کاردان). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی* (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- مرکز آمار کانون اصلاح و تربیت پسران تهران (۱۳۹۷). *گزارش دوره‌ای عملکرد کانون اصلاح و تربیت پسران تهران*. تهران: سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور.
- لنگ، جان (۱۳۸۱). *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط* (مترجم: علیرضا عینی‌فر). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- Department of Public Information. (1985). *United Nation Standard Minimum Rules for the Administration of Juvenile Justice*. New York: Martinus Nijhoff Publishers.
- Fairweather, L., & McConville, S. (2013). *Prison Architecture: Policy, design and Experience*. New York: Routledge.
- Hodgkin, R., & Newell, P. (2007). *Implementation Handbook for the Convention on the Rights of the Child*. New York: UNICEF Publishing.
- United Nations Office on Drugs and Crime. (2015). *International Classification of Crime for Statistical Purposes*. <https://unstats.un.org/unsd/statcom/doc15/BG-ICCS-UNODC.pdf>

Environmental Factors Affecting the Design of Behavioral Spaces Case study: Juvenile Center of Tehran

Akbar Dabestani Rafsanjani

Instructor, Department of Interior Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran
(Corresponding author)

Somayeh Sadat Abolghasem Hosseini

Master of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Abstract

Juvenile Center of Tehran is a prison for minors (people who are 6–18 years old), who have committed moral or social deviance, and it is dedicated to provide care, education, rehabilitation, and refinement for delinquent children and is like a security building. Although international rules are developed for the construction and operation of such buildings, and despite the great attention of the center's officials, the interior design is in contrast to the international standards and lacks appropriate spatial qualities. According to available evidence, the impact of prisons on the conversion of criminals to ordinary citizens compared to its negative effects is negligible. In other words, the process of learning criminality is reinforced within the same organizations, in which they have been established to provide rehabilitation programs and services. Additionally, criminal labeling distorts the credibility of a person in the social environment which makes him more inclined towards criminal activities and distance him from conforming to social contracts. Prisons, regardless of their degree of success in the rehabilitation of prisoners, have prevented them from committing a crime, and the fear of unpleasant living conditions in the prison might also act as another deterrent. The prison, however, creates a paradox for criminals, as it is regarded as an unpleasant place that deprives them of their freedom: on the one hand, unfavorable living conditions might deter the potential offenders from committing a crime, on the other hand, it makes it difficult to achieve rehabilitation goals. Although the harsher the prison conditions, the less the deterrent effect, it is different for the juvenile offenders. The delinquency of children varies based on causes, motivation, and quality of committed crimes compared to adults. They often commit offenses in a group, or with the formation of temporary gangs, whereas adults tend to act individually and have innate motivations. The types of crimes committed by children are also different from those of adults, their common crimes are the offenses against the property (such as theft and destruction of property) as well as the offenses against the person (such as direct physical harm). The project titled, "Environmental Factors Affecting the Design of Behavioral Spaces" started in 2018 in the Juvenile Center of Tehran. The aim of the project was to extract and develop principles to design detention centers as temporary housing for juvenile delinquents. Data were collected from 99 accepted questionnaires from delinquent children of the Juvenile Center of Tehran, and significant relations were observed between several design factors. There was a significant relation between child's age and selected shape, child's crime and selected color, and between child's crime and type of materials used for the housing, which approves three hypotheses that part of the design patterns could be extracted by developing field research in the intended areas as well as consulting with the specialists in behavioral sciences. Finally, this study suggests that due to the lack of a significant relationship between most factors and age groups of the crime, the test should be repeated among a group of non–delinquent children as an effective step to disseminate the findings. It is recommended to use the obtained results for a period of time in a part of the Juvenile Center.

Keywords: Architecture, child, delinquency, behavioral architecture, juvenile center